

آسیب شناسی اقدامات و سیاست های نظام در مدیریت و ساماندهی فضای مجازی

چکیده

در راستای ساماندهی فضای مجازی به منظور بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و جلوگیری از تهدیدات و آسیب‌های آن، قوانین و اسناد متعددی وضع، ساختارهای قانونی مختلفی تشکیل، بودجه‌های زیادی تخصیص و اقدامات قابل توجهی نیز صورت گرفته است، لیکن در مجموع، هدف مورد انتظار محقق نشده و نتیجه و اثربخشی مطلوب مشاهده نمی‌شود؛ لذا این مقاله از نوع تحلیلی - توصیفی با روش گردآوری کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ این سوال است که چه خلأ، مشکل و یا نقیصه‌هایی وجود دارد که باعث کم‌ثمر و یا حتی بی‌ثمر ماندن قوانین و اقدامات مربوطه شده و سامان نیافتن فضای مجازی و تداوم بی‌نظمی و آشفتگی آن را به بار آورده است؟ وجود این تحقیق، گامی در جهت بازبینی آسیب‌شناسانه برنامه‌ها، قوانین، رویکردها، اولویت‌ها و هزینه‌کردها بوده و بازآرایی اثربخش ظرفیت‌ها را موجب خواهد شد؛ نیز امید و انگیزه را در مجموعه عوامل مسئول و متولی تقویت خواهد نمود همچنانکه فقدان چنین پژوهشی، مسیر را برای تداوم هدررفت منابع مالی و انسانی و انجام اقدامات بی‌ثمر باز خواهد گذاشت.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که چالش‌های: «ساماندهی نشدن شبکه ملی اطلاعات»، «عدم بهره‌گیری از فیلترینگ هوشمند»، «ضعف پیام‌رسان‌های داخلی»، «مشکلات و موانع اثربخشی سامانه شاهکار»، «رها بودن فیلترشکن‌ها و عدم برخورد موثر با وبلاگها و وبسایت‌های متخلف»، «فقدان آینده‌نگری نسبت به معضلات شماره‌های مجازی»، «عدم کنترل برنامه‌های ویدئویی ضبط شده داخلی»، «ناهماهنگی دستگاهها در تقنین و اجرا و فقدان راهبری ستادی» و «غلبه رویکردهای سلبی بر ایجابی در ساماندهی فضای مجازی»، باعث تداوم نابسامانی، کنترل نشدن آسیب‌های اجتماعی و گسترش آن شده است.

در این تحقیق راهکارهای پیشنهادی عملیاتی و کاربردی برای برون رفت از وضعیت فعلی، مورد تبیین قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، حکمرانی، ساماندهی، فضای مجازی.

Pathology of the Measures and Policies Adopted by the Government of Iran in Management and Organization of the Cyberspace

Abstract

In order to organize the cyberspace with the purpose of taking advantage of its capabilities and preventing its threats and damages, numerous laws and documents have been enacted, various legal structures have been formed, many budgets have been allocated and significant measures have been taken, but overall, the expected goals have not been realized and the desired result and effectiveness are not observed. The present analytical-descriptive article employs the method of library collection to find the answer to the question: What loopholes, problems, or defects are there that have caused the laws and measures to remain ineffective or even ineffective, and have caused the virtual space to be unorganized and continue to be disorderly and chaotic?

The existence of this research is a step towards the pathological review of programs, laws, approaches, priorities and costs and will lead to the effective reorganization of capacities. It will also strengthen hope and motivation in the group of responsible and responsible agents, as the lack of such research will open the way for the continuation of wasting financial and human resources and carrying out fruitless actions.

The findings of the research show that the challenges of: "not organizing the national information network", "not using smart filtering", "weakness of the internal media message", "problems and obstacles to the effectiveness of the masterpiece system", "abandonment of filter breakers and lack of contact effective with offending blogs and websites", "Lack of foresight regarding the problems of virtual numbers", "Weakness in the implementation of Shamad code plan", "Lack of control of internal VODs", "Inconsistency of devices in legislation and implementation and lack of headquarters management" and "The predominance of negative over positive approaches in the organization of virtual space" has caused the continuation of disorder and the failure to control social harm and its spread.

In this research, the suggested operational and practical solutions to get out of the current situation have been explained.

Keywords: pathology, governance, organization, virtual space.

مقدمه

رهبر معظم انقلاب در جمع مسؤولان جبهه فرهنگی انقلاب فرمودند: «فضای مجازی، حقیقتاً قتلگاه نوجوانان و جوانان شده است. منطقه عظیمی از این فضا اکنون در دست دشمن است. باید دشمن را از فضای مجازی برانید و بتارانید.» (خامنه‌ای: ۱۳۹۵/۸/۹)

در این راستا با هدف جلوگیری از گسترش آسیب‌ها از مجرای فضای مجازی، (اعم از آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و ...)، اقدامات زیادی صورت گرفته و قوانین و اسناد متعددی وضع شده، همانطور که هزینه‌های زیادی صرف و ساختارهای زیادی شکل گرفته است^۱ ولی در مجموع، هدف مورد انتظار از آنها محقق نشده و نتیجه و اثربخشی مطلوب مشاهده نمی‌گردد، طوریکه در چند سال اخیر با کوچ کردن تخلفات و آسیب‌ها از فضای حقیقی به مجازی، غالب مشکلاتی که برای افراد و کشور در سطح خرد و کلان ایجاد شده با بهره‌گیری از این بستر بوده و اکثریت قریب به اتفاق مسائل و معضلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و ... به نوعی با فضای مجازی ناسامان ارتباط پیدا می‌کنند! و ساختارها و قوانین و اقدامات فعلی، با اذعان به تاثیرگذاری و جلوگیری‌شان از وضع فاجعه‌بار، نتوانسته‌اند وضع مطلوبی را برای فعالیت در فضای مجازی رقم بزنند.

بنابراین در این تحقیق با اذعان به زحمات کشیده شده، سوال اساسی این است که چالش یا چالش‌های اصلی پیش‌رو کدامند و گلوگاه‌های کار کجاست که بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آنها باعث عدم توفیق قوانین در سامان‌دهی فضای مجازی شده است؟

آنچه گفته شد نه تنها به معنی چشم‌پوشی از ظرفیتها و فرصتهای بسیار بالای فضای مجازی نیست، بلکه دقیقاً در جهت بروز و ظهور ظرفیتها و استفاده حداکثری از پتانسیل بالای این فضا است به عنوان نمونه فضای مجازی بستر بسیار مناسبی برای تسریع در ارائه خدمات برخط و گسترده برای کاربران توسط شرکتهای، مؤسسات، دستگاههای دولتی است لیکن در صورت فراهم بودن فضا برای فعالیت‌های کلاهبردارانه و سارقان اطلاعات کاربران، چنین امکان و تمهیدی با خطر مواجه خواهد شد. بنابراین غایت و هدف این بحث، ضمن توجه به معضل آسیب‌های اجتماعی، نظم و نسق داشتن فضای مجازی به منظور استفاده بهینه از ظرفیت آن در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ... است.

^۱ ساختارهای عظیمی همچون شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی و بودجه‌های هنگفتی همچون: مصوبه مجلس شورای اسلامی بر تخصیص ۱۵۰۰ میلیارد تومان به فعالان فضای مجازی در سال ۱۴۰۰ از طریق صندوق حمایت از تولید محتوا در فضای مجازی با عاملیت ۲۷ دستگاه فرهنگی.

در خصوص پیشینه و نوآوری تحقیق قابل ذکر است؛ علی رغم کثرت تحقیقات در حوزه فضای مجازی، عمده آنها به موضوع بررسی فرصتها و تهدیدهای فضای مجازی و یا کارکرد برخی از ابزارهای موجود در فضای مجازی مانند شبکه های اجتماعی اختصاص دارد و تحقیقاتی که نگاه حاکمیتی داشته باشند و عملکرد حاکمیت و دستگاه های مربوطه و قوانین موضوعه را مورد بررسی قرار دهند بسیار نادر و اندک هستند از این دست تحقیقات می توان به موارد ذیل اشاره داشت: مقاله: «ارائه مدل اجرای خط مشی های فضای مجازی در ایران» مندرج در فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۱، شماره ۳۹، بهار ۱۴۰۰ از نوع تحقیق کیفی با روش مصاحبه نیمه ساختاریافته می باشد که ابعاد و مؤلفه های الگوی اجرای خط مشی های فضای مجازی و روابط بین ابعاد و مؤلفه ها را تحت چهار مقوله شایسته سالاری، اهداف و راهبردهای سازمان، مدیریت مشارکتی و حمایت مدیران ارشد (به منزله شرایط علی) مورد بررسی قرار داده است؛ همچنین مقاله: «راهبردهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست گذاری رسانه های نوین ارتباطی» چاپ شده در مجله راهبرد اجتماعی فرهنگی سال دهم شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰، سیاست های شورای عالی فضای مجازی را با استفاده از روش کمی-کیفی ماتریس تحلیلی SWOT، از طریق مصاحبه هدفمند مورد بررسی قرار داده و در مجموع، ۱۵ نقطه قوت و فرصت به عنوان مزیت و تعداد ۱۶ ضعف و تهدید به عنوان محدودیت این شورا شناسایی نموده است. مقاله: «تبیین سیاست گذاری فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران» که در مجله پژوهشهای انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۸، منتشر شده است، نشان می دهد سیاست گذاری های کلان صورت گرفته در این خصوص، هم ماهیت سلبی داشته و هم ایجابی. سیاست گذاری های سلبی با سازوکارهایی چون، برنامه ریزی بازدارنده در حوزه قانون گذاری، پالایش فضای مجازی (مشمول بر مسدودسازی و فیلترینگ) و سیاست گذاری های ایجابی با سازوکارهایی از قبیل، تولید و مدیریت محتوا، افزایش سواد رسانه ای و امن سازی فضای مجازی مبتنی بر بومی سازی در کشور اجرایی شده اند. مورد بعدی، مقاله: «آسیب شناسی سیاست گذاری تولید محتوای فضای مجازی در ایران» درج شده در مجله مدیریت دولتی، دوره ۱۰، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷ است، این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی اجرا شده و داده های آن از طریق برگزاری مصاحبه های نیمه ساختاریافته جمع آوری شده است. مطابق یافته های تحقیق، آسیب ها در هفت مورد و در هفت طبقه قابل دسته بندی هستند: آسیب های سیستم نظارتی، سیاست های تولید محتوا، حمایت های از تولید محتوا، امنیت و حریم خصوصی، عوامل و زیرساخت های فرهنگی، ضعف در تصمیم گیری و زیرساخت های فنی. آخرین پیشینه مربوطه به مقاله: «نقش دولت در مدیریت فضای مجازی از منظر قانون اساسی ایران» چاپ شده در فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی، دوره ۹، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۷ می باشد؛ نتایج تحقیق بیانگر این است که با توجه به بیان رسالت و سبیل ارتباط جمعی و جلوگیری از اشاعه خصلت های تخریبی و ضد

اسلامی در قانون اساسی، لزوم مدیریت و نظارت بر فضای مجازی با عنایت به نقش رسانه‌ای آن استنباط می‌شود. همچنین از اصول ۸، ۹ و ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان مبانی حقوقی مدیریت و نظارت دولت بر فضای مجازی را استنباط کرد.

نگاهی به محتوای پژوهش‌های صورت گرفته، حاکی از نقصان جدی در پرداخت عمیق به چالش‌های این بُعد از فضای مجازی است مضاف بر اینکه در ارائه راهکارهای برون‌رفت، کار خاصی صورت نگرفته است لذا این تحقیق در نوع خود نوآورانه و بدیع محسوب می‌شود.

۱. ضرورت‌های ساماندهی فضای مجازی

مقام معظم رهبری در اول فروردین ۱۴۰۰ در خصوص ضرورت ساماندهی فضای مجازی فرمودند: «همه کشورهای دنیا، بر فضای مجازی، اعمال مدیریت می‌کنند اما در کشور ما، برخی به رها بودن فضای مجازی افتخار می‌کنند، درحالی‌که این شیوه به هیچ‌وجه افتخار ندارد» (خامنه‌ای: ۱۴۰۰/۱/۱)

در استدلال کلی، ضرورت ساماندهی فضای مجازی، همان ضرورت ساماندهی فضای واقعی است و به همان دلایلی که باید از آسیب‌ها و مخاطرات فضای واقعی در حوزه‌های مختلف کاست و بی‌نظمی‌ها و آشفته‌بازارها را با قوانین مورد نیاز سر و سامان و نظم و نسق داد تا عده‌ای فرصت‌طلب و مخاطره‌جو حق اکثریت را پایمال نکنند، به همان دلایل لازم است امورات فضای مجازی نیز تحت قواعد و ضوابط منطقی و قانونی قرار گیرد و گرنه شاهد سوء استفاده از این فضا در افزایش آسیب‌های اجتماعی و تبدیل شدن فرصت بزرگ فضای مجازی به تهدیدی بزرگ خواهیم بود و عده قلیل زیاده‌خواه و قانون‌گریز، منافع سایر ذینفعان را به مخاطره خواهند انداخت، منفعی که اعم است و شامل همه منافع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، بهداشتی، آموزشی، ... می‌شود.

در بیان تفصیلی، اصل ۸ قانون اساسی مبنای مدیریت و نظارت بر فضای مجازی است. طبق این اصل دولت جمهوری اسلامی ایران از باب دفع منکر و وظیفه‌ای بر عهده دارد و باید بر فضای مجازی نظارت کند. اصل ۹ قانون اساسی نیز می‌تواند مبنایی جهت لزوم مدیریت و نظارت بر فضای مجازی تلقی شود. یعنی هرگاه آزادی استفاده از فضای مجازی به استقلال سیاسی و ... صدمه بزند با جرم‌انگاری با آن مقابله خواهد شد. (رضائی‌ها و افشاری، ۱۳۹۷: ۳۲۵-۳۲۶) البته صرف غیر قانونی با غیر اخلاقی بودن یک رفتار نمی‌تواند مجوزی برای جرم‌انگاری آن باشد و اگر قرار باشد عناوین مجرمانه موجود مانند سرقت یا کلاهبرداری مثلا در خصوص داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای صدق کند، لازم است ارکان مادی و روانی تعریف شده برای جرائم مذکور به طور دقیق با تعرض نسبت به داده با سامانه منطبق شود. (یوسفی و فرزانه، ۱۴۰۲: ۸)

اما شاید اصل ۲۴ قانون اساسی مهمترین مبنای مدیریت و نظارت بر فضای مجازی باشد. بر مبنای این اصل، در فضای مجازی کشور باید مسائل ضروری دینی رعایت شده و حریم آنها شکسته نشود خواه

در مسائل اعتقادی باشد و خواه در فروع دین و احکام و قوانین اسلام و خواه در مسائل اخلاقی و اجتماعی؛ و لزوم رعایت آن از سوی کاربران و نظارت بر حسن اجرای آن بس با اهمیت تر و دقیق تر از نظارت بر مطبوعات باید صورت گیرد. (اعرافی، ۱۳۸۱: ۳۸)

اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز که در آن حدود آزادی بیان و نشر افکار منوط به رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور شده است با توجه به تشابهات کارکردی صداوسیما و فضای مجازی در اطلاع رسانی و نشر افکار، میتواند مبنایی برای نظارت بر این فضا حسب موازین اسلامی و مصالح عمومی کشور باشد. (رضایی‌ها و افشاری، ۱۳۹۷: ۳۲۸)

برخی از ابعاد آسیب‌های برآمده از نابسامانی فضای مجازی عبارتند از: ۱- تهدیدهای امنیتی (موضوع ماده ۳-۵ قانون جرایم رایانه‌ای) ۲- تهدیدهای اقتصادی (موضوع ماده ۱۲-۱۳ قانون جرایم رایانه‌ای) ۳- تهدیدهای اجتماعی و فرهنگی. (موضوع ماده ۱۴-۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای)

در حال حاضر کشورهای توسعه یافته قوانین دقیقی برای فعالیت های اقتصادی از طریق اینترنت و فضای مجازی دارند. خرید و فروش و تراکش اقتصادی اینترنتی بطور شفاف ثبت و ضبط و قابل پیگیری است. حتی معاملات رمز ارزها از این قاعده مستثنی نیست و نیازمند ارائه مدارک هویتی معتبر خرید و فروش کنندگان است. موسسات مالی، پزشکی و درمانی، و دیگر حوزه هایی که با اطلاعات شخصی و خصوصی کاربران سر و کار دارند با سخت گیری های مضاعف قانونی مواجهند. همچنین مکانیزم های نظارتی برای پیشگیری و مقابله با آسیب‌ها و جرایم اجتماعی و فرهنگی در بستر فضای مجازی و اینترنت دارند. (سمیعی، ۱۴۰۰: ۳ و ۵)

۲. چالش های اقدامات و قوانین حوزه فضای مجازی و راهکارهای برون رفت

اقدامات و سیاستگذاری‌های صورت گرفته فعلی به نتیجه مطلوب نرسیده و نشان از مشکل، خلأ و نقصان در این حوزه دارد لذا در این فرصت به بررسی چالش‌های اصلی ساماندهی نشدن فضای مجازی متأثر از ضعف عملکردها و سیاستگذاری دستگاههای مربوطه پرداخته می‌شود:

۲-۱. ساماندهی نشدن شبکه ملی اطلاعات

در دنیا بحثی در حوزه سایبر به اسم «حکمرانی فضای سایبر»^۱ وجود دارد و اولین دولتهایی که برای خودشان این حکمرانی را ایجاد کردند آمریکایی‌ها در سال ۱۹۹۸ میلادی بودند؛ «حکمرانی فضای مجازی» یعنی اینکه صفر تا صد این فضا قابل کنترل و مدیریت باشد مثلاً اروپایی‌ها از سال ۲۰۱۳ شبکه اروپایی خودشان را شروع به راه اندازی کردند و قانونی به اسم GDPR^۲ دارند، یا «استرالیا» شبکه ملی NVN را دارد؛ حتی کشور کوچکی مانند «رواندا»^۳ هم حکمرانی فضای مجازی را دارد. اما

^۱ Cyberspace governance

^۲ مخفف عبارت General Data Protection Regulation به معنی «مقررات محافظت از داده‌های عمومی»

^۳ Rwanda

در کشور ایران حاکمیتی ضعیف در حوزه رسانه‌ای داخل کشور دیده می‌شود که با سهل انگاری و مواجهه منفی برخی جریان‌های سیاسی، از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و امنیتی آن چشم‌پوشی می‌شود؛ شاید عبارت دقیق‌تر آن باشد که در کشور ما نه تنها فضای مجازی رهاست و حکمرانی بر آن وجود ندارد بلکه توسط عوامل بیرونی بر آن حکمرانی می‌شود. بنابراین باید حکمرانی فضای سایبر را داشت که لازمه اش داشتن یک گمرک مجازی برای داده‌های کشور است، طوریکه سرویس خارجی هم اگر بخواهد داخل کشور خدمات بدهد سرورهایش داخل کشور مستقر شود و یا در داخل کشور، نمایندگی و دفتر داشته باشد، از طرفی کلید رمز محتوایش در اختیار قرار گیرد تا قابل مدیریت باشد.

در همین راستا یکی از لوازم عمده و بسترهای اصلی تحقق حکمرانی، راه‌اندازی «شبکه ملی اطلاعات» است زیرا بومی سازی فضای مجازی، راهکاری در جهت ایمن سازی آن قلمداد می‌شود و بر این مبنا ایران سالهاست ایجاد و راه اندازی شبکه ملی اطلاعات یا اینترنت ملی را پیگیری می‌کند؛ «شبکه ای مبتنی بر قرارداد اینترنت به همراه سوئیچها و مسیریابها و مراکز داده ای به صورتی که درخواستهای دسترسی داخلی و اخذ اطلاعاتی که در مراکز داده داخلی نگهداری میشوند به هیچوجه از طریق خارج کشور مسیریابی نشود و امکان ایجاد شبکه های اینترنت و خصوصی و امن داخلی در آن فراهم شود.» (ماده ۴۶ برنامه پنجم توسعه کشور: ۱۳۸۹/۱۰/۱۵)

اما بر اساس آخرین گزارش مرکز ملی فضای مجازی، شبکه ملی اطلاعات ۸۰ درصد رشد داشته که آن هم در بخش زیرساخت می‌باشد از طرفی بنابر اظهارات مسئولان امر از وزارت ارتباطات سابق، شبکه ملی اطلاعات شامل سه لایه زیرساخت، خدمات و محتوا است و مسؤلیت تکمیل هر یک از این لایه‌ها را بخش‌های مختلف بر عهده دارند؛ حسب این اظهارات، تمام وظایف مربوط به شبکه ملی اطلاعات برعهده وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نیست و این وزارتخانه صرفاً در بخش زیرساخت، مسؤلیت محوری دارد؛ در دو لایه دیگر، دستگاه‌های دیگر نیز وظیفه دارد. لذا برای اجرای کل «شبکه ملی اطلاعات» باید اقدامات لازم در هر سه لایه و توسط سایر دستگاه‌های مسئول انجام شود. (ترتبی، ۱۳۹۸: ۲۵)

اما سوالی در اینجا مطرح است و آن اینکه، علت عدم اجرای مصوبات مربوط به شبکه ملی اطلاعات ولو به شکل ضعیف و ناقص چیست؟ چه اشکالی دارد که به شکل ناقص شروع شود و بعداً در حین اجرا، تکامل پیدا کند و ارتقاء یابد؟ خصوصاً که بخش لایتغیر و ثابت شبکه همین لایه ی تمام شده است و دو بخش دیگر سیال و نسبی هستند چنانکه وزیر ارتباطات دولت یازدهم گفته‌اند: «بلوغ شبکه ملی اطلاعات هیچوقت تمام نمی‌شود، زیرا محتوا و ایده‌های خدمت‌رسانی به مردم هیچوقت تمام نخواهد شد و در نهایت همان‌طور که شبکه ملی و دسترسی آزاد به اطلاعات به شبکه آمده‌اند، سایر

دستگاه‌ها نیز باید خدمات خود را به شبکه وارد کنند.» (واعظی، ۱۳۹۶/۰۵/۰۱) این بیان شاید دارای این مفهوم باشد که شرط لازم و کافی برای راه‌اندازی شبکه، لایه زیرساخت است و نه سایر لایه‌ها، هرچند برای بهینه بودن و رغبت‌انگیزی برای کاربران، بایستی دو لایه دیگر نیز فعال شوند. گفتنی است؛ در حال حاضر، سازمانهایی نظیر شورای عالی فناوری اطلاعات، شورای عالی انفورماتیک، مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال وزارت ارشاد، شورای عالی فضای مجازی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، سازمان نظام صنفی رایانه‌ای و چند سازمان دیگر هر کدام خود را از مناظر مختلف محتوایی، نظارتی و یا ارتباطی، متولی کل با بخشی از اینترنت کشور قلمداد مینمایند به تعبیری مدیریت فضای مجازی در کشور، نه از نبود متولی، بلکه از وفور متولی - آنهم متولی دولتی - رنج می‌برد. (طرح نگلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۸-۱۲۹)

نیز در اجرای ماده ۱۱ آیین نامه داخلی شورای عالی فضای مجازی، مصوبه جلسه ۶۶ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۵ شورای عالی با موضوع «طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات» از سوی دبیر شورای عالی فضای مجازی برای اجرا توسط نهادهای متولی ابلاغ شده است لیکن هنوز برونداد موثری از اجرای آن مخابره نشده است. (طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات: ۱۳۹۹/۰۶/۲۵)

در پایان ذکر این مطلب خالی از وجه نیست، از آنجا که به لحاظ فنی، شبکه ملی اطلاعات بر مبنای پروتکل^۱ اینترنت است، در نتیجه از نظر نوع آدرس‌دهی و دسترسی، سازگار با اینترنت جهانی بوده و این امکان را می‌دهد تا کاربران علاوه بر دریافت خدمات ملی، در صورت نیاز، از خدمات اینترنت جهانی نیز بهره‌مند شوند. این دسترسی کاملاً کنترل و مدیریت شده بوده و متضمن نیازهای مختلف کشور است. از طرفی بررسی‌ها نشان می‌دهد در فضای سایبری، حدود ۹۰ درصد ارتباطات و تبادل اطلاعات، در داخل کشور صورت می‌گیرد و تنها کمتر از ۱۰ درصد در مقیاس بین‌المللی هستند. (حاتمیان، ۱۳۹۴/۲/۱۹، ۱۰-۱۲) در نتیجه ی راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات، بسیاری از خدمات و فناوری‌های باند پهن همانند خدمات الکترونیکی عمومی در کنار خدمات دیگر چون «تلویزیون مبتنی بر اینترنت» (IPTV)^۲، ویدئو کنفرانس، بازی برخط و تحت شبکه، مشاهده فیلم با کیفیت بالا (HD)^۳، تماس تلفنی اینترنتی (VoIP)^۴ و مانند آن در کشور امکان‌پذیر خواهد شد. در عین حال، توسعه این شبکه باعث کاهش هزینه‌های خرید پهنای باند، افزایش امنیت اطلاعات ملی، توسعه تجهیزات و

^۱ protocol

^۲ IPTV مخفف عبارت Internet Protocol television به معنای تلویزیون مبتنی بر اینترنت.

^۳ HD مخفف High Definition به مفهوم «وضوح بالا» است.

^۴ سرویس VoIP مخفف Voice over Internet Protocol، یک فناوری ارتباطی که اجازه می‌دهد تا با استفاده از اینترنت، صدا و تصویر را به دیگران منتقل کرد.

اطلاعاتی، تبدیل شدن به هاب و شاهراه انتقال اطلاعات منطقه، توسعه نرم‌افزاری و امثال آن نیز می‌شود. از طرفی چون این شبکه بستر ارائه خدمات دولت الکترونیکی به مردم خواهد بود، تمامی شبکه‌های ملی (اینترنت‌ها) همچون اینترنت مدارس، بانک‌ها، کنترل ترافیک، بیمارستان‌ها و امثال آن، به هم متصل شده و به صورت یکپارچه عمل خواهند کرد.^۱

۲-۲. عدم بهره‌گیری از فیلترینگ هوشمند

کشور ایران در شبکه‌های اجتماعی نه تنها فیلترینگ هوشمند ندارد بلکه خود در فیلترینگ حسابی و هوشمند دشمن است؛ به عنوان مثال اگر از مردم آمریکا راجع به داعش پرسیده شود که «داعش را چه کسی ساخت؟» میگویند ایران! این، فیلترینگ حسابی است که افراد را در یک حساب اندیشه‌ای قرار می‌دهد. هوش مصنوعی (AR)،^۲ دنیا را براساس هوش مصنوعی تغییر می‌دهد و مدیریت می‌کند. در موضوع فیلترینگ، هوش مصنوعی از فیلترینگ رایج خیلی پیشرفته‌تر عمل می‌کند چنانکه در فیلترینگ رایج مثلاً یکسری کلمات و عبارات به سیستم داده می‌شود، آنگاه هر پیامی، حاوی یکی از این کلمات بود حذف می‌شود اما با استفاده هوش مصنوعی، کلماتی که کلمات توهین‌آمیز ندارد ولی محتوای توهین‌آمیز دارد نیز درک می‌شود و اجازه استفاده از آن داده نمی‌شود لذا حتی اگر در آن متن هیچ گونه فحاشی صورت نگرفته و هیچ کلمه توهین‌آمیزی دیده نشود، هوش مصنوعی بار معنایی آن جمله را درک می‌کند. این کار توسط اینستاگرام^۳ و برای اهداف خودش در حال اجراست. البته در کشور ما هوش مصنوعی اینستاگرام از نظم حریم خصوصی هم فراتر رفته و عملاً حکمرانی می‌کند^۴ چنانکه صفحه حذف می‌کند، پست حذف می‌کند، در ماه رمضان واژه فستینگ^۵ (رژیم روزه‌داری متناوب) را اسکن می‌کند و هشدار می‌دهد که ممکن است این هشتمک به مرگ کاربر منجر شود یا گوگل^۶ برنامه از گوشی مخاطبان حذف می‌کند؛ یا در توییتر^۷، دشمن هشتمکی توییتر می‌کند و منجر به آزادی یک زندانی از زندانهای ایران می‌شود، بدین صورت که در اقدامی هماهنگ، حقوق بشر می‌گوید طبق قوانین بین‌المللی! توییتر محبوبیت فلان را دارد و اگر جمهوری اسلامی آزادش نکند تحت تحریم‌های فلان قرار می‌گیرد! یا در جستجوی اینستاگرام محتوای کاملاً هدفمند برای افراد آورده می‌شود!

^۱ ر. ک: قوانین شورای عالی فضای مجازی: "تعریف و الزامات حاکم بر تحقق شبکه ملی اطلاعات"، ۱۳۹۲/۱۰/۰۳

^۲ مخفف Artificial Intelligence

^۳ Instagram

^۴ لازم به ذکر است که این مداخلات صرفاً با الگوریتم‌های هوش مصنوعی نیست و بر اساس گزارشات کاربران و لیستهای سیاه و سفید نیز بعضاً عمل می‌شود.

^۵ intermittent fasting diet

^۶ Google

^۷ Twitter

به هر حال بحث «داده های جعلی» (Fake news) خیلی مهم است؛ در کشور ایران بلحاظ قانونی جلوی داده های جعلی گرفته نمی شود، چون حکمرانی فضای مجازی نیست؛ درحالیکه بیانیه اتحادیه اروپا می گوید «داده های جعلی» می تواند حکمرانی کشورها را سرد کند، چنانکه توئیتر در سال ۱۳۹۷ موتور برای شناسایی «داده های جعلی» و البته طبق استانداردهای خودش راه انداخت که تا سال ۱۳۹۸ یک میلیون و دویست هزار حساب کاربری با «داده های جعلی» تشخیص داده شده و بسته شدند و در این بین نزدیک سه تا چهار هزار اکانت^۱ پر مخاطب کاربران ایرانی مذهبی و انقلابی در توئیتر مسدود شدند. لذا از حیث فرهنگی، راه حل این نیست که به این فضا هجوم آورده شود تا مثلا با محتوای مناسب اشغال شود چون با فیلترینگ حسابی و هوش مصنوعی و با دیتاهایی^۲ که قبلا از کاربرانش گرفته، دقیقا آنها را شناسایی نموده و در لحظه حذف می کند. متاسفانه حسب اذعان وزارت ارتباطات سابق، اقدام موثری در مورد فیلترینگ هوشمند به دلیل هزینه بالای آن! صورت نگرفته است. (تربتی، ۱۳۹۸: ۲۷)

لازم به ذکر است؛ شورای عالی فضای مجازی کشور، «الزامات پیشگیری و مقابله با نشر اطلاعات، اخبار و محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» مصوب جلسه ۶۸ این شورا را با هدف صیانت از سلامت و امنیت روانی جامعه در ۱۳۹۹/۱۲/۰۴ ابلاغ کرده است. (الزامات پیشگیری و مقابله با نشر اطلاعات، اخبار و محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱) لیکن تاثیر اجرایی شدن آن ملموس نبوده است.

۲-۳. ضعف پیام رسان های داخلی

محتوایی که از طریق پیام رسان های خارجی منتشر می شود، امکان ردیابی و نظارت بر آن پائین است و با تمام توان دستگاه ها و متخصصین زبده، اشراف بر آن به حدود ۱۰-۲۰ درصد می رسد، خصوصا که در کشور ایران و در حال حاضر پیام رسان های خارجی، به مانند موسسات فرهنگی خارجی هستند که تأسیس شده ولی نه مجوز دارند و نه ضوابط را اجرا می کنند و وقتی خواسته می شود موضوعی را حذف کنند اقدامی نمی شود. چنانکه بررسی ها نیز نشان می دهد «تمرکز محتوای تولید داخل بر بستر کانال های رسانه ای بیگانه و اقبال مخاطبان داخلی به سمت شبکه های مجازی خارجی و گرایش به سمت فرهنگ بیگانه و بی توجهی به فرهنگ ملی، از مهمترین تهدیدهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست گذاری رسانه های نوین ارتباطی است.» (محمدی و نصرالهی، ۱۴۰۰: ۱۴۵)

جالب اینکه یکی از علل عدم تحقق شبکه ملی اطلاعات را، ضعف پیام رسان های داخلی اعلام می کنند درحالیکه در مصوبه سال ۱۳۹۵ مرکز ملی فضای مجازی، وزارت ارتباطات به عنوان متولی اصلی

¹ account

² Data (به معنی داده)

اجرای شبکه ملی اطلاعات مشخص گردیده و انتظار می‌رفت که از آن زمان این موضوع پیگیری عملیاتی شود و در اولین فرصت با تمهید بسترهای لازم به سرانجام برسد، همچنانکه در جلسات کمیته تعیین مصادیق مجرمانه، از سال ۱۳۹۲ که موضوع شبکه‌های اجتماعی خارجی مطرح بوده، تأکید جدی و اولیه بر این بوده که وزارت ارتباطات پیام‌رسان‌های داخلی را به حدی حمایت و تقویت کند که بتوانند حجم درخواست‌های داخلی را پوشش دهند.

در همین راستا با تصویب فیلتر تلگرام^۱، قرار شد اولاً از پیام‌رسان‌های داخلی حمایت شود و در ثانی پلاگرم و هاتگرام به عنوان دو پسته ایرانی برای دوران گذار، کمک حال کوچ کاربران از تلگرام به شبکه‌های اجتماعی داخلی باشند، ولی عملاً چنین نشد، چنانکه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ تلگرام فیلتر شد و قرار بود تا آخر خرداد تلگرام طلایی و هاتگرام^۲ نقش فیلترشکن را بازی کنند که مردم سمت فیلترشکن (VPN)^۳ نروند اما از خرداد به شهریور، از شهریور به آذر و از آذر تا خرداد ۱۳۹۸ تمدید شد، نتیجه آن شد که قبل از اینکه فضا را دست بگیریم گوگل ما را حذف کرد! (درواقع دوران گذاری شد برای گوگل و تلگرام که آنها خود را بروزسانی و تقویت کردند و وقتی دیدند فیلترشکن‌های مورد نیاز فراهم شده و در دسترس مردم قرار گرفته، تصمیم به حذف پسته گرفتند).

توضیح بیشتر آنکه؛ در سال ۱۳۹۷ تلگرام ۳۰۰۰ سرور برای ایرانی‌ها داشت و در ارزیابی‌ای که صورت گرفت برای آن که سرویسی بتواند مانند تلگرام پاسخگو باشد باید مطابق ارزش پول آن زمان، حداقل معادل ۳۰۰ میلیارد تومان بودجه و امکانات می‌داشت، این در حالی است که اولاً، صرفاً ۱۰ سرور برای پیام‌رسان‌های داخلی فراهم آمد و ثانیاً، تنها وام ۵ میلیاردی - که همه پیام‌رسان‌ها هم آن را دریافت نکردند - به تعدادی از پیام‌رسان‌ها پرداخت شد! البته بهترین کار به جای پرداخت وام، اعطای زیرساخت، سرور و امکانات سخت‌افزاری بر اساس میزان رشد هر یک از پیام‌رسان‌ها بود که انجام نشد. (عبداللهی، ۱۳۹۹: ۱۰)

اگر مردم مجاب نشدند از پیام‌رسان‌های داخلی استفاده کنند، یکی از دلایل اصلی مشکل در فراهم ساختن زیرساخت فنی بود و نیازمندی‌های مردم تهیه نشده بود لذا اینکه گفته شود مردم خودشان اقبال و تمایل نداشتند یا از مخدوش شدن حریم خصوصی می‌ترسیدند کلیت ندارد و حرف درستی نیست؛ زیرا همین که نزدیک ۳۵ میلیون نفر روی پلاگرم و هاتگرام آمدند، دفع این استدلال می‌کند و گویای این مطلب است که عمده مردم نیازمند خود خدمات هستند و اولویتشان بهره‌مندی از امکانات و خدمات شبکه‌های اجتماعی است. (هرچند این موضوع و هجوم مردم به پیام‌رسان‌های داخلی با بسته شدن تلگرام، نشانه اعتماد نیز نمی‌تواند باشد). لذا لازم است سند حمایت از پیام‌رسان‌های اجتماعی

¹ Telegram

² Hotgram

^۳ مخفف کلمه Virtual Private Network

بطور همه جانبه اجرا شود؛ این سند را شورای عالی فضای مجازی در شهریور ۱۳۹۶، مصوب نموده و سند مطلوبی است. در این سند برای دستگاه‌های مختلف، وظایف متنوعی در نظر گرفته شده بود اما برخی دستگاه‌ها بعد از تصویب پای کار نیامدند!^۱

در همین راستا لازم به ذکر است آنچه برای پیام‌رسان‌های خارجی نیز اولویت دارد منافع مادی‌شان است که از طریق فعالیت کاربران در آن فضا حاصل می‌شود، منفعی که با جمع‌آوری اطلاعات کاربران و فروش بیگ دیتاها^۲ تا تراکنش‌های مالی که توسط یک پیام‌رسان صورت می‌گیرد یا استخراج و فروش رمز ارزهای مجازی توسط یک پیام‌رسان (مانند ارز دیجیتالی گرام)، حاصل می‌شود؛ لذا در اینجا نیز با اتخاذ رویکرد فعال و دوری از مواجهه منفعلانه، بدون اینکه نیازی به بستن پیام‌رسان‌های خارجی باشد، می‌توان با برقراری موازنه قدرت از طریق تاثیرگذاری بر منافع آنها با کاهش کاربران، تراکنش‌ها، تولید نرم‌افزارهای رقیب، ... آنها را ملزم و مجاب به تبعیت، رعایت و همراهی با سیاست‌های خود نمود و این مسیری است که در تمام دنیا پیموده می‌شود. (ر. ک.: سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی (بخش اهداف): ۱۴۰۱/۶/۸)

درواقع، در مواجهه با رقیب یا دشمنی که قوی است هیچ راهی جز قوی شدن وجود ندارد و هیچ ضمانت اجرایی برای در امان بودن از آسیبها و مخاطرات رقیب و دشمن، بهتر و کارسازتر از قوی‌تر شدن نیست؛ در حوزه فناوری نیز موضوع غیر از این نمی‌باشد؛ با بستن و محروم کردن و محدود کردن و مانند این موارد که البته در جای خود (در مواقع ضروری و به میزان حداقلی) لازم است، نمی‌توان جلو ورود آن و حجم‌های ناشی از آن را گرفت همچنانکه در آینده‌ای نزدیک، با ماهواره‌ای شدن اینترنت (با تکمیل شبکه ماهواره‌ای در فضا)، بحث از شبکه ملی اطلاعات نیز بی‌معنی خواهد بود مگر برای آنهایی که قوی شده‌اند و در این میدان بازی، بازیگر فعال هستند و دشمن از ترس ضربه خوردن، از ضربه زدن به آنها و شبکه ملی اطلاعات آنها می‌پرهیزد.

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی
که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

۲-۴. مشکلات و موانع اثربخشی سامانه شاهکار

یکی از ابزارهای کنترلی موثر، مسیر ارتباطات سیار یا همان سیم‌کارت‌هاست؛ چون هر محتوایی و هر ارتباطی ناچار از مسیر سیم‌کارت فراهم می‌آید و اگر سیم‌کارت‌های مربوط به محتوا شناسایی و نظارت شوند مقداری از وضعیت قابل مدیریت خواهد بود؛ البته مدیریت هوشمند و نه کلاسیک

^۱ مصوبه شورای عالی فضای مجازی با موضوع «سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی»، مصوب

۱۳۹۶/۵/۱۱

^۲ (به معنی کلان‌داده) Big Data

انسانی، همچنانکه در سال ۱۳۹۷ در کمیته تعیین مصادیق مجرمانه ۶ هزار ادمین^۱ کانال‌ها و پیج‌های مسئله‌دار به دستگاه‌های انتظامی و امنیتی اعلام شد ولی عملاً کاری روی آنها صورت نگرفت؛ دلیل ذکر شده عمدتاً بحث احراز نشدن هویت آنها بود. اما حقیقت آن است که اقدام موردی و تشکیل پرونده قضائی و پلیسی و حتی فیلترینگ رایج نیز دیگر منسوخ شده و بستن آب باریکه‌های فساد از این طریق در برابر پمپاژ جریان‌های قوی فساد، هدر دادن وقت و امکانات است باید فضا از طریق هوش مصنوعی، طوری مدیریت شود که اساساً این همه محتوای فساد در آن امکان بروز و ظهور نداشته باشد و دسترسی به محتوای فساد به حداقل برسد.

این مطلب به معنی لزوم احراز هویت همه سیم‌کارت‌ها و بستن سیم‌کارت‌های مجهول‌الهویه است زیرا حتی لازمه مدیریت هوشمند و اقدامات ایجابی نیز همین احراز هویت است. جالب توجه است که در فضای اینستاگرام، روزانه حدود ۲۵۰ میلیون محتوا در سال ۱۳۹۸ منتشر می‌شد که اگر صرفاً ۵ درصد آن، محتوای مجرمانه بود حدود ۱۲.۵ میلیون محتوای مجرمانه می‌شد؛ در چنین شرایطی، شناسایی و برخورد با ۶ هزار مورد، به منزله عدم برخورد است! همه اینها با مفروض گرفتن امکان شناسایی هویت ۶ هزار کاربر متخلف است! زیرا همین هم میسر نیست و برخی اوقات فقط یک شماره تلفن از سیم کارت مربوطه وجود دارد، یا صرفاً کد ملی طرف با آدرسی اشتباهی؛ لذا ناچار از مجموع ۶ هزار سیم کارت متخلف معرفی شده از سوی وزارت ارتباطات، توانست آدرس فیزیکی حدود پانصد مورد را بیابد و از آن تعداد هم باز فقط یک تعداد خیلی منجر به تشکیل پرونده و شناسایی کامل شد. (عبداللهی، ۱۳۹۹: ۱۱-۱۲)

در این راستا، به منظور احراز هویت سیم‌کارت‌ها سامانه شاهکار در وزارت ارتباطات راه‌اندازی شد سرویس شناسه شاهکار (مخفف: شبکه احراز هویت کاربران)، سامانه‌ای برای حفظ حریم خصوصی و امنیت اطلاعات کاربران در فضای مجازی بود که به تصویب شورای عالی فضای مجازی رسید. به موجب آن اپراتورها ابتدا، از طریق سرویس شاهکار به احراز هویت کاربران پرداخته و در صورت درستی اطلاعات آن‌ها اقدام به ارائه خدمات می‌کنند. سرویس شاهکار واسطی بین اپراتور مخابراتی و مراجع هویت است که در صورت عبور کاربران از این فیلتر، به سرویس‌های ارائه شده دسترسی می‌یابند. (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۴) ضمناً سامانه شاهکار صفحات یکپارچه و بر خط شده در اختیار دستگاه‌های مربوطه قرار گرفت و امکان این فراهم آمد تا استعلام کنند که صاحب سیم‌کارت و مشخصاتش چه کسی است و در لحظه، پاسخ دریافت کنند. البته سیم‌کارت‌هایی که قبلاً فروخته شده بودند و به نوع 3g یا 4g ارتقاء نیافته‌اند تحت کنترل نیستند. گرچه وزارت ارتباطات برای شناسایی سیم‌کارت‌های قبلی غیرفعال نیز اقداماتی انجام داد.

^۱ (به معنی مدیر) Admin

در خصوص آنچه ذکر شد، فارغ از واقعی نبودن بخشی از احراز هویت‌ها، چند ملاحظه وجود دارد:

۱. برخی از شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام بدون ثبت شماره از افراد و بدون احراز هویت واقعی، امکان فعالیت را به آنها می‌دهند؛ در چنین مواردی طبیعی است که سامانه شاهکار نتواند پاسخگو باشد و احراز هویت محتواها در این موارد صرفاً از طریق شبکه ملی اطلاعات قابل انجام است و لاغیر.
۲. بخشی از تخلفات از طریق تلفن‌های ثابت و اینترنتی و مانند آن اتفاق می‌افتد و حال آنکه در حال حاضر بانک اطلاعات دقیقی در خصوص تلفن‌های ثابت نیست همچنانکه اکثر آنها در سامانه ۱۱۸ به‌روز ثبت نشده‌اند و اطلاعات کاربری‌شان موجود نمی‌باشد.
۳. سند «نظام هویت معتبر در فضای مجازی کشور» در سال ۱۳۹۸ تصویب و به کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی و غیردولتی، برای اجرا ابلاغ گردید. مطابق این سند، برای هر نوع تعامل فنی، اقتصادی (پولی و مالی)، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اداری میان اشخاص، گروه‌ها، اشیاء، خدمات، محتواها و مکان‌ها به هویت معتبر نیاز بوده و شکل‌گیری نظام قابل اطمینان برای هویت در فضای مجازی کشور ضروری است. (سند نظام هویت معتبر در فضای مجازی کشور: ۱۳۹۸/۰۷/۱۵)

۲-۵. رها بودن فیلترشکن‌ها و عدم برخورد موثر با وبسایت‌های متخلف

فیلترشکن‌ها از چند جهت اهمیت دارند اولاً مجرای ورود در دنیایی از فضای ناامن بلحاظ اخلاقی، اقتصادی، امنیتی و ... هستند که برای کاربران به شدت مضر و خطرناک است؛ ثانیاً شناسایی هویت کاربر را تقریباً غیرممکن می‌سازند (شناسایی هویتی که آی‌پی خارجی دارد برای دستگاه‌های نظامی و امنیتی خیلی سخت و در حد غیرممکن است)؛ ثالثاً مجرای دستیابی دشمن به اطلاعات باارزش کاربران و ساماندهی آنها در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی و ... بر علیه منافع کشور است رابعا ترافیک قاچاق کشور را افزایش می‌دهد و خود این، زمینه افزایش هرگونه جرمی است.

حسب اظهارات معاون فضای مجازی وقت دادستانی کشور در سال ۱۳۹۷: «وزارت ارتباطات مسئول مقابله با فیلترشکن‌ها بود اما به آن عمل نکرد این وظیفه، بنابر مصوبه شورای عالی فضای مجازی است». (جاویدنیا: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸) در این راستا کمیته تعیین مصادیق مجرمانه در سال ۱۳۹۸، ۱۸۳ هزار آدرس وی‌پی‌ان و آی‌پی وی‌پی‌ان و پروکسی به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اعلام کرده بود که از مجموع اینها صرفاً ۱۰۰۰ مورد مسدود شد! همچنین برخورد با وبلاگ‌ها^۱ و وبسایت‌های^۲ متخلف بر عهده وزارت ارتباطات است.

¹ weblog

² website

وبلاگ‌ها و وبسایت‌های متخلف - هرچند با رونق شبکه‌های اجتماعی خیلی کمتر شده‌اند لیکن باز، در بحث فیلم، فعال هستند و متأسفانه به دلیل عدم شناسایی «هاستینگ»‌های آنها و شناسنامه‌دار نبودن آنها، بجای «هاست» سایت، «دامین»^۲ سایت فیلتر می‌شود لذا چون هاستش فیلتر نیست دوباره به شکلی دیگر و در قالبی دیگر با دامین جدید استفاده می‌کند ولی اگر هاستش شناسنامه داشت به او رسماً ابلاغ می‌شد. (در حال حاضر هاست بخشی از سایت‌ها داخل کشور است و اگر شبکه ملی اطلاعات راه-اندازی شود در آن فضا همه هاست‌ها در دسترس و داخل کشور خواهند بود.)^۳ در چند سال اخیر سایت‌های متخلفی که فیلتر می‌شوند ضمن اینکه درصد پائینی از سایت‌ها را دربر می‌گیرند، آن سایت‌ها هاستینگ خود را عوض و در قالب سایت جدید فعالیت می‌کنند و تا دوباره گزارشی جدید از فعال بودن سایت متخلف جدید بیاید سایت متخلف دوباره و برای مدتی با عوض کردن سایت یا ... کار خودش را ادامه می‌دهد. (تربتی، ۱۳۹۸: ۳۴)

لازم به ذکر است در کشور ایران، قوانین فیلترینگ بدون توجه به نیاز و رده بندی مخاطبان، وضع شده است. حال آنکه با اجرای یکسان یکپارچه و سراسری پالایش برای همه کاربران و بدون توجه به نیازها و توانمندیهای آنها خلاف عدالت عمل شده است. مضافاً در کشورهای پیشرو در زمینه فضای مجازی، فیلترینگ اساساً توسط یک نهاد و ساختار مشخص اعمال نمی‌شود، بلکه هم حاکمیت و هم مردم در این باره مسئول شناخته می‌شوند. اما این مهم در ایران صرفاً از سوی نهاد حاکمیت و توسط کارگروه تعیین مصادیق اعمال می‌گردد. درحالیکه اصل ۸ قانون اساسی بر مسئولیت همگانی تصریح دارد: «مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت مسئول می‌باشند». (طرح نگوی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۴)

۲-۶. فقدان آینده‌نگری نسبت به معضلات شماره‌های مجازی یا MVNO^۴

^۱ Host به معنی میزبان است و به محیط مجازی اطلاق می‌شود که بر روی یک سرور برای یک سایت تدارک دیده شده است درواقع فضایی است که به یک حساب کاربری در یک سرور امن و مطمئن روی شبکه اینترنت در مراکز داده اختصاص داده می‌شود. که میتوان در این حساب کاربری سرویس های مختلفی از میزبانی وبسایت تا ایمیل و ... دریافت کرد.

^۲ Domain، آدرس وب سایت در دنیای اینترنت است. همان آدرسی که در مرورگر خود برای ورود به هر سایتی وارد می‌شود. دامین از دو بخش اصلی تشکیل شده‌است: نام دامنه و پسوند آن. پسوندهای بین المللی رایج عبارتند از .net، .com و .org. که دارای مصارف عمومی می‌باشند و هر یک به ترتیب معرف سایتهای تجاری، شبکه و سازمانی یا غیر انتفاعی می‌باشند. دامین نشان دهنده برند و نوع فعالیت فرد است.

^۳ در حال حاضر غالب سایتهای مسئله دار هاستینگ خارجی دارند زیرا در صورت وجود هاست در داخل کشور، کاملاً قابل رصد و شناسایی اند.

^۴ مخفف Mobile Virtual Network Operator

یکی از طرق ایجاد معضل و مشکل -خصوصا در آینده نه چندان دور- رواج و استفاده از شماره‌های مجازی است که نیازمند ضابطه مند شدن و قانون گذاری متقن برای آن است. ردیابی و احراز هویت دارنده این شماره‌ها مشکل است. زیرا شیوه کار آن بدین صورت است که هر شخصی ممکن است فقط یک بار از یک شماره مجازی استفاده کند چون این شماره ها به راحتی قابل انتقال به شخص یا شرکتی دیگر هستند. با این اوصاف می توان گفت که هک شماره مجازی و ردیابی این شماره ها هر چند کار غیر ممکن نیست ولی بسیار سخت و زمان بر خواهد بود. معمولا ردگیری این شماره ها از طریق ارائه دهندگان خدمات اینترنتی یا همان ¹ISP صورت می گیرد که البته برای گرفتن اطلاعات در این زمینه باید به صورت قانونی وارد عمل شد و طبیعتا کار بسیار پر زحمت، زمان بر و پرهزینه‌ای است. (عبدالهی، ۱۳۹۹: ۱۴)

نکته مهم آنجاست که غالب شرکت‌های ارائه دهنده اکانت مجازی خارج از کشور هستند! شرکت‌هایی که اپلیکیشن مربوطه را تهیه کرده‌اند و کد مورد نظر را به مخاطب می‌دهند بخشی خارج از کشور هستند اما بخشی نیز در داخل‌اند همچون آسیاتل،^۲ که لازم است سیاست‌ها و اقدامات لازم در جهت حمایت و فراگیری استفاده از سیم‌کارت‌های تولیدی شرکت‌های داخلی و حذف هرگونه جولان سیم-کارت‌های مجازی خارجی در دستور کار قرار گیرد و گرنه در آینده‌ای نزدیک مشکلی دیگر بر مشکلات این حوزه و از نوع بزرگتر و پیچیده‌تر آن، افزوده خواهد شد. در واقع «در فضای مجازی همانند دنیای واقعی هر عمل یا حادثه ای از تعامل و قرارداد گرفته تا تقلب و دروغ پردازی - مشمول قواعد حقوقی است. فضایی که عنوان آن کنایه از یک دنیا یا فضای متفاوت با عرضه مادی دارد، فنون و شگردهای مخصوص خود را دارد و حقوق برای شناختن این فضا و قاعده مند کردن آن باید به همان فنونی مسلح شود که در آن مجری و هر روز در حال تحول پیچیده تر شدن است.» (اسلامی و عصاره، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۱) در حال حاضر قانونی مجزا و اختصاصی برای مدیریت و ساماندهی سیم-کارت‌های مجازی وجود ندارد.

۲-۷. عدم کنترل برنامه‌های ویدئویی ضبط شده داخلی (VODها)^۳

برنامه‌های ویدئویی ضبط شده داخلی مانند آپارات، رها هستند و بخش قابل توجهی از محتوایی که در فضاهای مجازی غیرقانونی و متخلف بارگذاری می‌کنند اینجا هم قابل رؤیت است!

¹ مخفف Internet Service Provider

² AsiaTel

³ مخفف Video On Demand به معنی «برنامه ویدئویی درخواستی ضبط شده» است.

«برنامه‌های ویدئویی ضبط شده» یکی از مجموعه خدمات قابل ارایه از طریق «تلویزیون مبتنی بر اینترنت» است. در «برنامه‌های ویدئویی ضبط شده» این امکان وجود دارد که فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، مستندهای جذاب، برنامه‌های آموزشی و... در اختیار کاربران قرار بگیرد. با این ملاحظه که عمده نگاه در «برنامه‌های ویدئویی ضبط شده» اقتصادی است و نه فرهنگی و در نگاه اقتصادی به منظور سودآوری و جلب مخاطب، محتوای زرد و حتی بازی با خطوط قرمز فرهنگی اولویت می‌یابد و به عنوان ابزاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، قابل ذکر است:

۱. فارغ از آنچه در انتهای بحث پیام‌رسان‌های داخلی گفته شد و در تمام این مباحث ساری و جاری است، باید در وضع قوانین مورد نیاز، نیم‌نگاهی نیز به رقبای خارجی برنامه‌های ویدئویی ضبط شده داخلی داشت خصوصاً با دامپینگی که این رقبا انجام می‌دهند؛ یعنی اگر «آپارات» از کار انداخته شود، جای آن را «یوتیوب»^۱ می‌گیرد، اگر «دیوار» تعطیل شود به جایش «آمازون»^۲ می‌نشیند!

۲. چون مهم در فضای مجازی کار اقتصادی، خدمات اقتصادی، تبلیغات و فعالیت‌هایی از این دست است و فعالان اقتصادی لزوماً در داخل کشورند شاید بتوان با اعمال جریمه برای فعالان اقتصادی که در بستر خارجی فعالیت می‌کنند و با سوق دادن آنها به سرورهای داخلی، اتوماتیک‌وار بستر داخلی را رونق داد و بستر خارجی را از رونق انداخت. (از طریق برخورد با ثبت سفارش تبلیغات از جانب شرکتها و موسسات داخلی در بستر خارجی)

۳. در اعمال قانون، فشارها متأسفانه روی کسی می‌رود که مجوز دارد و قانونی عمل می‌کند و غیرمجازدار همواره در حاشیه امن است و با اقدام حاکمیت بر علیه مجوزدارها، بیش از پیش میدان در دست غیرمجازدارها می‌افتد. جالب اینکه عمده تخلفات توسط غیرمجازدارهاست. البته منظور این نیست که با تخلفات مجوزدارها برخورد نشود -هرچند با مجوزدارها و احراز هویت شده‌ها نیز کار چندانی صورت نمی‌گیرد- بلکه مراد این است که برای به سرانجام رسیدن این برنامه، باید تمهیدی اندیشید که اساساً بدون مجوز، امکان فعالیت وجود نداشته باشد.

۴. باید رویکردها در اعمال جرائم متخلفان بازنگری شود؛ با این توضیح که در حال حاضر جهتگیری جرائم قانونی، صرفاً به سمت اپراتورهاست، برخی نیز بر آنند که باید سمت و سوی جرائم به سمت کاربران متخلف باشد و جرائم به جای اپراتورهای متخلف، فعالان و کاربران متخلف را مشمول جرائم و محرومیت‌ها قرار دهند و گرنه جریمه اپراتور به جای کاربر، سبب کوچ دادن آنها به خارج از کشور و از دست دادن آنها می‌شود مانند جریمه بلاگفا^۳ که باعث رفتن این اپراتور به خارج شد و جریمه آپارات نیز چنین بیمی را تداعی می‌سازد. بنظر می‌رسد راه سومی نیز قابل تصور باشد و آن اعمال

¹ Youtube

² Amazon

³ Blogfa

جرائم و محرومیت‌ها در حدی متناسب و معقول برای هر دوی کاربر و اپراتورها با رویکرد حفظ و اصلاح آنها باشد. همچنانکه لازم است ملاحظات مربوط به برخورد فعالانه و نه منفعلانه و لزوم قوی شدن و تمرکز بر اقدامات ایجابی را مورد توجه قرار داد.

۸-۲. ناهماهنگی دستگاهها در تقنین و اجرا و فقدان راهبری ستادی

در شرایط کنونی، نهادهایی که وظیفه ای در خصوص ساماندهی فضای مجازی بر عهده دارند، با چالش‌هایی در خصوص مدیریت یکپارچه و منسجم فضای مجازی مواجه هستند که رفع آن‌ها نیازمند اقدام متنقن، هماهنگ و مجدانه است. برخی از این چالش‌ها به شرح زیر می باشد:

- ۱- به دلیل گستردگی و فراگیر شدن فضای مجازی، این نهادها، دارای شرح وظایف متنوع و بعضاً مشابهی شده‌اند. لیکن دارای برداشت‌های یکسان و تعاریف استاندارد بومی در مفاهیم پایه نیستند.
- ۲- به علت تعدد ذی‌نفعان و متولیان در این حوزه، روابط حمایت شونده / حمایت‌کننده مناسب نیست و مسئولان و کارشناسان باید چندین رابطه را که هریک آزادی‌ها و محدودیت‌های خاص خود را دارند درک و مدیریت کنند.

۳- فقدان جهت‌گیری واحد و مواضع اصولی اقدام کنندگان در فضای سایبر موجب شده مسئولین ضمن انجام اقدامات سلیقه‌ای و حرکات موازی، ناخواسته مسبب پدید آمدن چالش در فرآیند حکمرانی فضای مجازی شوند. (بخشی پور: ۱۴۰۰/۹/۴)

۴- در چنین وضعیتی شورای عالی فضای مجازی رافع نیازمندی‌های راهبری نیست. آنچه هم‌اکنون بعد از گذشت ۱۰ سال از تاسیس این شورا عملاً مشاهده می‌شود:

اولاً؛ تعدد مراجع قانون‌گذاری در حوزه فضای مجازی است: «نهادهای ذیصلاح مربوطه مشخص و معین نمی باشند و مشخص نیست که چه نهادی عهده دار تنظیم مقررات و برنامه ریزی بازدارنده در حوزه فضای مجازی است. عدم شفافیت در مراجع قانون‌گذاری و مشخص نبودن حدود اختیارات و وظایف هر مرجع زمینه ساز آن شده است که قوانینی که در حوزه فضای مجازی در کشور تاکنون تنظیم شده است با نقصان‌ها و خلاهایی همراه باشد.» (طرح نگی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۰)

در همین راستا غلبه نگاه امنیتی و سیاسی به نگاه علمی، فرهنگی و اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها، نداشتن حساسیت و دانش روز برخی اعضا، بی‌توجهی به ابعاد اقتصادی و اشتغال‌زایی در این حوزه، بودجه و اعتبار اندک، پیشرو نبودن و اتخاذ تصمیم‌های دیر هنگام از مهمترین نقاط ضعف شورای عالی فضای مجازی در سیاست‌گذاری رسانه‌های نوین ارتباطی است. (محمدی و نصرالهی، ۱۴۰۰: ۱۴۳)

ثانیاً؛ به مانند حوزه تقنین در حوزه اجرا، تشتت وجود دارد و ناهماهنگی‌های فراوان مشاهده می‌شود و ضمن فقدان ضمانت‌های اجرایی برای تبعیت از جایگاه قرارگاهی مرکز ملی فضای مجازی، هر

دستگاهی عملاً کار خود را حسب تشخیص خویش انجام می‌دهد و حلقه‌های اجرا اتصال و انسجام مورد انتظار را ندارند.

در حال حاضر «به دلیل ناکارآمدی بعضی از دستگاهها و با توجه به هدررفت مقدار قابل توجهی از زمان شورای عالی فضای مجازی بنا به دلایل بوروکراتیک و ضعف در نظارت و تصمیم‌گیری، نیازمند بازنگری و بازتعریف دقیق در [ماموریتها و] کارکردهای دستگاه‌های مربوطه و شورای عالی فضای مجازی هستیم.» (نرگسیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۴)

۵- عمل نشدن به قوانین و سیاستهای وضع شده و فقدان عزم و اراده لازم برای اجرا در دستگاهها و نیز نقصان اراده در شورای عالی فضای مجازی برای پیگیری ثمربخش مصوبات و قوانین تا حصول نتیجه مورد انتظار. اینها همه در حالی است که «برخورداری از بالاترین قدرت سیاست‌گذاری تصمیم‌گیری نظارت و اجرا در حوزه فضای مجازی در کشور و امکان استفاده حداکثری از ظرفیتهای قوای سه‌گانه نظام در سیاست‌گذاریها از مهم‌ترین نقاط قوت شورای عالی فضای مجازی هستند» (محمدی و نصرالهی، ۱۴۰۰: ۱۴۳)

۹-۲. غلبه رویکردهای سلبی بر ایجابی در ساماندهی فضای مجازی

عمده قوانین و سیاستگذاریها در فضای مجازی با رویکرد سلبی بوده و قوانین سلبی بر ایجابی غلبه دارد؛ توضیح بیشتر آنکه «با بروز و ظهور فن‌آوری‌های به‌روز در جامعه، همواره موافقان و مخالفانی بودند که به تناسب مواضعشان با ذکر مزایا و معایب آنها، رویکردهای سلبی و ایجابی مختلفی داشته‌اند. و این رویکرد و جریان، اختصاص به ورود فناوری‌های جدید ندارد بلکه در مورد فناوری‌های بالنسبه قدیمی نیز صادق است. مانند ورود تلگراف، تلفن، رادیو، تلویزیون و ویدیو.» (حسنوندی و منطقی، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۴) در طیف قوانین و سیاستهای سلبی جوامع و دولتها در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در خصوص فضای مجازی شاید بتوان چهار گروه عمده از اقدامات را جای داد که عبارتند از: تشویق به استفاده از سامانه‌های نظارتی و مسدودسازی سطح خرد، استفاده از سامانه‌های نظارتی و مسدودسازی سطح کلان، برنامه‌ریزی بازدارنده در حوزه قانونگذاری و جلوگیری از استفاده از اینترنت. (طرح‌نگی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۶-۱۱۷)

بررسی تطبیقی مواضع اولیای فرهنگی جوامع ایران و غرب، حکایت از برخوردی متفاوت در زمینه فن‌آوری‌های جدید دارد. به این معنا که مسئولان و اولیای امور فرهنگی و اجتماعی در ایران، بیشتر از آن که ترکیب توأم با فرصت و تهدید فن‌آوری‌ها را پذیرفته، در صدد برنامه‌ریزی و بسترسازی برای افزایش فرصت‌های فن‌آوری‌ها و کاهش تهدید آن‌ها باشند، بیشتر متوجه مقابله با تهدیدهای احتمالی فن‌آوری‌ها شده‌اند و این امر، به جای بسترسازی برای استفاده جامعه از فرصت‌های فن‌آوری‌های ارتباطی جدید، عملاً به فرصت‌سوزی تبدیل شده است. (منطقی، ۱۳۸۶ (الف): ۱۲۵) و با یکجانبه-

نگری نه تنها به نحو مطلوب و در زمان خود از این ابزارها بهره برده نشده بلکه با اجازه ندادن به کارشناسان و صاحب نظران در جهت بررسی جوانب موضوع، فرصت کاهش آسیب‌ها نیز از خود گرفته شده است، در عمل هم که نتوانسته ایم در برابر ورود و گسترش آن برای همیشه موفق باشیم! (منطقی، ۱۳۸۶ (ب): ۸۷)

اما در غرب، مواجهه به شکل دیگری بوده است؛ در غرب تلاش وافر برای شناخت نقاط ضعف و قوت آن و کوشش به منظور گسترش بسترسازی‌ها برای افزایش فرصت و کاهش تهدیدهای آن از طریق وضع قوانین و چارچوبگذاری، شده است. بر همین اساس با سمت و سو دادن به پژوهش‌ها و تحقیقات اجتماعی در غرب بدین سو، پژوهش‌های انجام شده، حاوی سه محور کلان پژوهش در زمینه: شناخت فرصتها و تهدیدهای ناشی از فضای مجازی، تلاش در راستای کاهش آسیب و تلاش در جهت گسترش فرصت‌های فضای مجازی، می‌باشد.

بنابراین فن‌آوری‌های ارتباطی نه در ایران بلکه در جهان حاضر یک انتخاب نبوده، بلکه یک تحمیل بوده است، ولی برای مقابله با تهدیدهای آن، غربی‌ها با اتکا به رویکردی مداخله‌گرایانه، کوشیده‌اند با گسترش فرصت‌ها از میزان تهدیدهای آن بکاهند. اما به سبب دید متفاوت متولیان در ایران، فن‌آوری‌های ارتباطی پیشرفته، به سبب آن که متضمن تهدید نیز هستند، در نگاه و برخورد سلبی آرمان‌گرایانه، به کنار نهاده شده‌اند. (حسنوندی و منطقی، ۱۳۹۰: ۷۱)

رویکردهای مبتنی بر نفی و انکار، علاوه بر خالی گذاشتن عرصه برای تاخت و تاز رقیب و دشمن، تنها به فرصت‌سوزی خواهد انجامید. چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «باید با تلاش مبتکرانه به مقابله با این مقوله‌ها پرداخت، رصد و شناخت دقیق پدیده‌های نوظهور تهاجم فرهنگی قبل از ورود به ایران ضروری است، دیر فهمیدن و دیر جنیبیدن مشکل آفرین است بنابراین باید به موقع و حکیمانه برخورد کرد.» (خامنه‌ای: ۱۳۹۲/۹/۱۹)

نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که چالش‌های: «ساماندهی نشدن شبکه ملی اطلاعات»، «عدم بهره‌گیری از فیلترینگ هوشمند»، «ضعف پیام‌رسان‌های داخلی»، «مشکلات و موانع اثربخشی سامانه شاهکار»، «رها بودن فیلترشکن‌ها و عدم برخورد موثر با ویلاگها و وبسایت‌های متخلف»، «فقدان آینده‌نگری نسبت به معضلات شماره‌های مجازی»، «عدم کنترل برنامه‌های ویدئویی ضبط شده داخلی»، «ناهماهنگی دستگاهها در تقنین و اجرا و فقدان راهبری ستادی» و «غلبه رویکردهای سلبی بر ایجابی در ساماندهی فضای مجازی»، باعث تداوم نابسامانی و آسیبها شده است. راهکارهای پیشنهادی برای رفع چالش‌های مذکور به شرح ذیل می‌باشد:

۱. وضع قوانین مورد نیاز برای ساماندهی فضای مجازی: به ده‌ها قانون برای تحقق این امر نیاز است، چنانکه در بسیاری از کشورهای همسایه مانند ترکیه، پاکستان، هند، عربستان سعودی و روسیه قوانین مشخص و دقیق نسبت به فضای مجازی دارند و این موضوع به اندازه‌ای حساس است که اتحادیه اروپا با وجود اینکه در بسیاری از جهات با آمریکا هم‌پیمان است اما در فضای مجازی قوانین خاص خودش را دارد. آمریکا بیش از ۲۰۰ قانون برای فضای مجازی دارد.

۲. اعمال حکمرانی فضای مجازی و داشتن گمرک مجازی برای داده‌های کشور، طوریکه سرویس خارجی هم اگر بخواهد داخل کشور خدمات بدهد سرورهایش داخل کشور مستقر شود و یا در داخل کشور، نمایندگی و دفتر داشته باشد، از طرفی کلید رمز محتوایش در اختیار قرار گیرد تا قابل مدیریت باشد.

۳. ساماندهی شبکه ملی اطلاعات با تفویض قانونی مدیریت و مسئولیت کار در هر سه لایه به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و نیز توجه به تمهید لوازم شبکه ملی اطلاعات از جمله، جستوجگر قوی داخلی، پیام رسان داخلی قدرتمند، ایمیل داخلی، خدمات مراکز داده مانند میزبانی و ذخیره‌سازی داده یا همان خدمات ابری، خدمات نام و نشانه‌گذاری با تأکید بر خط و زبان فارسی، مراکز تبادل پیام و اطلاعات، بحث روتینگ (انتخاب شدن مسیر مناسب داخلی برای بسته‌های ارسالی)، ...

۴. مدیریت قانونی فیلترشکن‌ها و بهره‌گیری از فیلترینگ هوشمند، با احترام به حریم خصوصی کاربران و تفسیر حداکثری از مصادیق و قلمرو حریم خصوصی. (هرچند باید سراغ ریشه‌ها و علت‌های اولویتدار رفت و گرنه تمرکز بر اقدامات سلبی، منجر به بی‌اعتمادی و کاهش سرمایه اجتماعی نظام می‌شود.)

۵. احراز هویت دقیق و واقعی تمام سیم‌کارت‌های فعال و اینکه از جنبه قانونی، شخصی که سیم‌کارت به اسمش هست مسئول محتوای آن شناخته شود و هیچ کس حق نداشته باشد سیم‌کارت دیگران را استفاده کند و گرنه، شخص استفاده‌کننده و صاحب سیم‌کارت هر دو مسئول خواهند بود.

۶. وضع قوانین محکم، شفاف و به روز برای برخورد با تخلفات فضای مجازی: قوانین فعلی ضعیف بوده و قابلیت تفسیرهای مختلف را دارند. یا اینکه به روز نیستند مثلاً قانون تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲ و قانون جریمه‌های رسانه‌ای در سال ۱۳۸۸ تصویب شده اند در حالیکه بعد از آنها پنج انقلاب در فضای مجازی رخ داده است!

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

- تربتی، عبدالله. (۱۳۹۸). فضای مجازی. تهران، کمیسیون اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- حسونندی، صبا و منطقی، مرتضی. (۱۳۹۰). فراز و فرود چتروم‌ها. تهران، نشر عابد.

- سپهر. (۱۴۰۰). ضرورت های ساماندهی به فضای مجازی. تهران، ویرگول.
- عبدالحی، غلامعلی. (۱۳۹۹). آسیب شناسی فضای سایبر. تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- منطقی، مرتضی. (۱۳۸۶ الف)، راهنمای اولیا در استفاده فرزندان از تلفن همراه. تهران، نشر عابد.
- منطقی، مرتضی. (۱۳۸۶ ب)، راهنمای اولیا در استفاده فرزندان از بازی های ویدیویی. تهران، نشر عابد.

ب) مقالات

- اسلامی، رضا و عصاره عبدالله. (۱۳۹۱). «حق دسترسی به اطلاعات در اینترنت ابزار تقویت مشارکت از شهروندی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵۱.
- اعرافی، علیرضا. (۱۳۸۱). «مبانی و حدود آزادی بیان و مطبوعات از دیدگاه اسلام». مجله نامه فرهنگ، شماره ۴۴.
- رضایی ها، آمنه و افشاری، مریم. (۱۳۹۷). «نقش دولت در مدیریت فضای مجازی از منظر قانون اساسی ایران». مجله پژوهش های سیاسی و بین المللی، سال ۹، شماره ۳۷.
- شریفی، مهدی؛ مرزبان، بیتا و لبافی، سمیه. (۱۳۹۷). «آسیب شناسی سیاست گذاری تولید محتوای فضای مجازی در ایران»، مجله مدیریت دولتی، دوره ۱۰، شماره ۲.
- طرح نگی، محمد مهدی؛ میرترابی، سعید و گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۸). «تبیین سیاست گذاری فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران». مجله پژوهش های انقلاب اسلامی، شماره ۳۰.
- محمدی، حمید و نصرالهی، اکبر. (۱۴۰۰). «راهبردهای شورای عالی فضای مجازی در سیاست گذاری رسانه های نوین ارتباطی»، مجله راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال دهم، شماره ۳۸.
- نرگسیان، عباس؛ پیران نژاد، علی؛ حاجی ملا میرزایی، حامد و قربیان، عباس. (۱۴۰۰). «ارائه مدل اجرای خط مشی های فضای مجازی در ایران»، مجله امنیت ملی، سال ۱۱، شماره ۳۹.
- یوسفی، سعید و فرزانه، عبدالحمید. (۱۴۰۲). «بررسی حقوق فضای مجازی از منظر قانون جمهوری اسلامی»، دهمین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در تعلیم، تربیت روانشناسی فقه و حقوق و علوم اجتماعی.

ج) اسناد و آرای دادگاهها

- الزامات پیشگیری و مقابله با نشر اطلاعات، اخبار و محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی. (۱۳۹۹/۱۱/۲۱). شورای عالی فضای مجازی.
- تعریف و الزامات حاکم بر تحقق شبکه ملی اطلاعات. (۱۳۹۲/۱۰/۰۳). شورای عالی فضای مجازی.
- خامنه ای، سید علی. بیانات در تاریخ های: ۱۳۹۲/۹/۱۹، ۱۳۹۵/۸/۹، ۱۴۰۰/۱/۱.
- سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی. (۱۴۰۱/۶/۸). شورای عالی فضای مجازی.
- سند نظام هویت معتبر در فضای مجازی کشور. (۱۳۹۸/۰۷/۱۵). شورای عالی فضای مجازی.
- سیاست ها و اقدامات ساماندهی پیام رسان های اجتماعی. (۱۳۹۶/۵/۱۱). شورای عالی فضای مجازی.
- طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات. (۱۳۹۹/۰۶/۲۵). شورای عالی فضای مجازی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۵۸/۰۸/۲۴. انتشارات دوران.

- قانون جرائم رایانه‌ای. (۱۳۸۸/۴/۳). مجلس شورای اسلامی.
- قانون برنامه پنجم توسعه کشور. (۱۳۸۹/۱۰/۱۵). مجلس شورای اسلامی.

(د) سایت‌های اینترنتی

- بخشی پور، معصومه. (۱۴۰۰/۹/۴). خلاء مصوبات شورای عالی فضای مجازی در مدیریت راهبردی فضای سایبر. خبرگزاری مهر، کد خبر ۵۳۶۰۱۱۹. <https://www.mehrnews.com/news/5360119>.
- جاویدنیا، جواد. (۱۳۹۷/۱۲/۱۸). عدم اجرای مصوبه مقابله با فیلترشکن‌ها توسط وزارت ارتباطات. خبرگزاری مشرق، کد خبر ۹۴۲۹۳۹. <https://www.mashreghnews.ir/news/942939>.
- حاتمیان، سید مهدی. (۱۳۹۴/۲/۱۹). سند سیاستی شبکه ملی اطلاعات. وبسایت تخصصی سیاستگذاری عمومی. <http://www.ippra.com/html>.
- واعظی، محمود. (۱۳۹۶/۰۵/۰۲). ارائه اینترنت نامحدود تصویب شد (روزنامه مردم سالاری). سایت پیشخوان. <https://www.pishkhan.com/news/30867>.